

نگاهی تاریخی-تطبیقی به رمان پاورقی در غرب و ایران

عبدالرسول شاکری*

مسعود فرهمندفر**

چکیده

رمان پاورقی نخست در سده نوزدهم میلادی در مطبوعات فرانسه ظهور کرد و سپس در کشورهای دیگر نیز رواج یافت. به نظر می‌رسد رواج این نوع رمان در کشورهای اروپایی و همچنین در ایالات متحده در شرایط کم‌وبیش یکسانی روی داده باشد، اما با توجه به تفاوت‌های گوناگون جامعه ایرانی با این جوامع، بررسی تطبیقی پیدایی این نوع رمان در زمینه‌ای تاریخی در ایران دارای اهمیت است. در این مقاله، نخست تصویری فشرده از وضع رمان پاورقی در کشورهای غربی (شامل فرانسه، انگلستان، روسیه و ایالات متحده) ارائه شد و سپس در پژوهشی آرشیو‌بنیاد، با مراجعه به روزنامه‌های ایران (سری جدید)، کوشش، شفق سرخ، اقدام، ستاره ایران و ستاره جهان (از آذر ۱۳۰۰ تا خرداد ۱۳۲۰)، همه رمان‌های منتشر شده در این روزنامه‌ها به تفکیک تألیف، ترجمه و نوع استخراج شد. افزون‌بر مشاهده چند تفاوت عمده میان وضع رمان پاورقی در ایران و در غرب، مشخص شد که اکثریت نزدیک به اتفاق رمان‌های ترجمه‌ای در دوره موردنظر ما در ایران از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند که چنین یافته‌ای تأثیرات نیرومند ترجمه رمان پاورقی فرانسه بر پیدایی و رواج رمان پاورقی فارسی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: رمان پاورقی در غرب، رمان پاورقی در فرانسه، رمان پاورقی در ایران، رویکرد تاریخی تطبیقی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). shakeri@samt.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. farahmand@atu.ac.ir



The Serial Novel in the West and Iran: A Comparative Historical Study

Abdol-Rasoul Shakeri*

Masoud Farahmandfar**

Abstract

Originating in the French press in the nineteenth century, the serial novel later spread to other countries. Its subsequent spread in European countries and the United States appears to have followed broadly similar patterns. However, given the various differences between Iranian society and these Western societies, a comparative study of the emergence of the serial novel in the historical context of Iran is of particular importance. In this article, first, a concise overview of the status of the serial novel in Western countries (including France, England, Russia, and the United States) was presented. Then, through archive-based research examining the Iranian newspapers *Iran (New Series)*, *Kushesh*, *Shafaq-e Sorkh*, *Eqdam*, *Setareye Iran*, and *Setareye Jahan* (from Azar 1300 to Khordad 1320 [December 1921–June 1941]), all novels published in these newspapers were extracted and categorized according to whether they were original or translated works, as well as by type of novel. In addition to identifying several major differences between the situation of the serial novel in Iran and in the West, it was found that the vast majority of translated novels in Iran during the period under study were translated from French—a finding that indicates the strong influence of translations of French serial novels on the emergence and popularization of the Persian serial novel.

Keywords: serial novel in the West, serial novel in France, serial novel in Iran, comparative-historical approach.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Institute for Research and Development in the Humanities, SAMT, Tehran, Iran (Corresponding Author). shakeri@sam.ac.ir

** Associate Professor of English Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. farahmand@atu.ac.ir

۱. مقدمه

رمان پاورقی نخست در سده نوزدهم میلادی در مطبوعات فرانسه ظهور کرد و سپس در کشورهای دیگر نیز رواج یافت. به نظر می‌رسد رواج این نوع رمان در کشورهای اروپایی و همچنین در ایالات متحده، با توجه به شباهت‌های بسیار این جامعه‌ها، در شرایط کم‌وبیش یکسانی روی داده باشد، اما با توجه به تفاوت‌های گوناگون جامعه ایرانی با این جوامع، بررسی تطبیقی پیدایی این نوع رمان در ایران، که کشوری حاشیه‌ای در جهان رمان به‌شمار می‌آید، دارای اهمیت است. درواقع، بررسی تاریخ پیدایی رمان پاورقی در کشورهای مورد اشاره و کشور ایران و جست‌وجوی تفاوت‌ها و شباهت‌ها و تأثیرات احتمالی در روند شکل‌گیری و رواج این نوع رمان در ایران مسئله اصلی در این مقاله است. رویکرد این مقاله تطبیقی است و با توجه به وارداتی‌بودن ژانر رمان در ایران، تأثیرات ترجمه از زبان‌های غربی بر پیدایی و رواج رمان پاورقی فارسی را از طریق بررسی آرشیو مطبوعات فارسی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ در کانون توجه قرار می‌دهد.

این مقاله بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ۱. وضع رمان پاورقی در کشور مبدأ این ژانر، یعنی فرانسه، و دیگر کشورهای غربی بااهمیت در انتشار رمان پاورقی شامل انگلستان، روسیه و ایالات متحده چگونه بوده است؟ ۲. وضع رمان پاورقی در کشور ایران چگونه بوده است؟ ۳. تفاوت‌های وضع رمان پاورقی در دوران رواج آن در ایران و غرب چه بوده است؟

۱.۱. پیشینه پژوهش

در بعضی از کتاب‌های تاریخ رمان فارسی، بحث‌هایی درباره رمان پاورقی فارسی مطرح شده است. مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت‌اند از: *از صبا تا نیما* (آرین‌پور، ۱۳۷۲)، *صد سال داستان‌نویسی ایران* (میرعابدینی، ۱۳۷۷)، *نظریه و نقد رمان تاریخی فارسی* (پارسانسب، ۱۳۸۱)، *ردپای تنزل: رمان تاریخی ایران ۱۳۰۰-۱۳۲۰* (سپهران، ۱۳۸۱). در مقالاتی چند نیز به‌طور مشخص به موضوع رمان پاورقی فارسی پرداخته شده است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم: «ظهور، اوج و سقوط پاورقی‌نویسی در مطبوعات ایران» (بهزادی، ۱۳۷۳) از نخستین نمونه‌های پژوهش در این زمینه است. این مقاله، به‌صورتی بسیار خلاصه اطلاعاتی

در بارهٔ نخستین نمونه‌ها، شیوهٔ انتشار و بعضی از دوره‌های پاورقی‌نویسی توضیحاتی به دست می‌دهد. اما مقالهٔ «درآمدی بر مقولهٔ پاورقی‌نویسی در ایران» از صدرالدین الهی، که در چهار قسمت در مجلهٔ ایران‌شناسی (۱۳۷۷-۱۳۷۸) منتشر شده، مفصل‌ترین پژوهشی است که رمان پاورقی فارسی را به‌طور مستقل در کانون توجه قرار داده است. او در بخش سوم مقالهٔ خود (۳/ الف، ۱۳۷۷) پاورقی فارسی را به چهار دورهٔ کلی تقسیم کرده است (۳/ ب، ۱۳۷۸). در قسمت پایانی این مقاله (۳/ ب، ۱۳۷۸) نیز اطلاعاتی دربارهٔ نویسندگان پاورقی، مخاطبان و برخی از مراحل گوناگون انتشار آن آمده است. در مقالهٔ «رمان پاورقی، انقلابی ادبی» (بیضاوی، ۱۳۷۹) نزدیک شدن نویسنده به تودهٔ مردم مهم‌ترین عامل گسترش سریع رمان پاورقی در فرانسه دانسته شده، اما به موضوع رمان پاورقی در ایران پرداخته نشده است. در مقالهٔ «مردم و ادبیات: نگاهی به تاریخ رمان عامه‌پسند: یک دوره‌بندی پیشنهادی» (شاکری و فرهنگدفر، ۱۴۰۱)، ضمن تقسیم تاریخ رمان عامه‌پسند به چهار مقطع (شامل: از ۱۲۸۷ تا ۱۳۰۰، از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ و از ۱۳۵۷ به بعد)، اطلاعاتی دربارهٔ رمان‌های منتشرشده در دوره‌ای حدوداً صدساله در ایران ارائه شده است. چنان‌که می‌بینیم در بررسی‌های یادشده رویکرد مقایسه‌ای در کانون بررسی نبوده است.

۲.۱. روش‌شناسی

رویکرد مورد استفاده در این پژوهش تاریخی-تطبیقی است. در تعریفی کلاسیک، «تاریخ کنش و واکنش مداوم مورخ و امور واقع نسبت به یکدیگر است، و گفت‌و شنود بی‌پایان حال و گذشته» (کارل، ۱۳۸۷: ۵۹). از این منظر، «گذشته را تنها در پرتو نور حال می‌توان دید، و زمان حال را فقط در پرتو نور گذشته» (همان: ۸۹). روش تحقیق تاریخی یکی از زیرمجموعه‌های روش تحقیق کیفی به‌شمار می‌آید که می‌تواند در مواجهه با بعضی از مسئله‌ها کاربرستی ویژه داشته باشد. به عبارتی، «همان‌گونه که در شناخت واقعیت اجتماعی به ابعاد زمانی و مکانی جدید باید توجه شود، به همان سیاق نیز گذشته بعد اجتناب‌ناپذیر واقعیت است و بدون آن شناخت ناقص خواهد بود» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۰۰). روش تاریخی در این پژوهش از این جهت انتخاب شد که نشان دهیم بعد تاریخی مسئلهٔ پژوهش موضوعی

بسیار بااهمیت است و توجه به آن می‌تواند ما را در حل مسئله، با توجه به نیازهای امروز جامعه ایرانی، یاری کند.

استفاده از رویکرد تاریخی-تطبیقی با توجه به وارداتی بودن نوع ادبی رمان می‌تواند به تبیین وضع امروزی رمان فارسی و دلایل ایجاد آن بینجامد. به همین دلیل، استفاده از این رویکرد، به‌مثابه ابزاری برای بررسی موضوع مقاله پیش‌رو، امکان فهم فرایندی را مهیا می‌کند که به‌موجب آن به مسئله ارتباط میان رمان پاورقی در ایران و در غرب و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن پرداخته می‌شود. به این منظور، با استفاده از آرشیوهای اسنادی (نشریات منتشرشده در دوره موردنظر) و تحقیقات تاریخی صورت‌گرفته در این زمینه، داده‌های مرتبط با روند تاریخی انتشار رمان پاورقی در ایران استخراج گردید و با توجه به زمینه‌های تاریخی در مقایسه با وضع این شکل از رمان در غرب مورد تحلیل قرار گرفت.

۲. بحث و بررسی

۱.۱.۲. رمان پاورقی در غرب

از آنجا که در تاریخ رمان پاورقی در جهان کشورهای فرانسه، انگلستان، روسیه و ایالات متحده بااهمیت هستند، در ادامه، به‌صورت بسیار خلاصه، وضع رمان پاورقی در دوره رواج آن در هریک از این کشورها بررسی می‌شود و سپس به وضع این شکل از رمان در ایران می‌پردازیم.

۱.۱.۲.۱. رمان پاورقی در فرانسه

در فرانسه برای نخستین بار در سال ۱۸۳۶ رمان دنباله‌دار یا پاورقی با عنوان «رمان‌فیتو»^۱ در روزنامه لا پرس^۲ در پاریس منتشر شد. این روزنامه قیمت را به نصف کاهش و شمارگان را به دو برابر افزایش داد. موفقیت این اقدامات (استفاده از شیوه‌های تولید کاپیتالیستی در صنعت نشر و داستان‌نویسی فرانسه برای نخستین بار) موجب شد که دیگر روزنامه‌ها هم از آن الگو بگیرند. در نتیجه، در دهه‌های بعد آثار آنوره دو بالزاک، ماری سوفی گی، اوژن سو، الکساندر دوما و بسیاری دیگر در روزنامه‌های پاریس منتشر شدند. در سال‌های ۱۸۳۰، توزیع روزنامه در پاریس تقریباً سه برابر لندن بود (Law, 2000: 36).

برِت (۱۹۹۰) در یادداشتی بسیار خلاصه که بر کتاب *رمان فرانسوی در قرن نوزدهم* نوشته کُفلِک نوشته است، تصویری کلی از تاریخ رمان پاورقی در فرانسه به دست می‌دهد. او

با اشاره به نام‌های دَرْتَنیان، رودلف، لَگَرْدِر، پَرْدِیان، رولتبی و بسیاری شخصیت‌های دیگر تأثیرات فراوانی را که این شخصیت‌های رمان‌های پاورقی حدود یک سده بر چندین نسل از جوانان و نوجوانان فرانسوی گذاشته‌اند یادآوری می‌کند. یادآوری او خوانندگان عام بسیاری را بین سال‌های ۱۸۳۶ تا ۱۹۱۴ شامل می‌شود که جذب و سرگرم رمان‌های پاورقی می‌شدند. برت در این مقاله فشرده‌ای از تاریخ رمان پاورقی در فرانسه از دیدگاه لیز کُفلِک را ارائه می‌کند. او توضیحات کفلِک دربارهٔ رمان فرانسوی در دورهٔ یادشده را در سه مقوله دسته‌بندی و تحلیل می‌کند و از این طریق نمایی از پیدایش و تغییر و تحولات رمان پاورقی در فرانسه ارائه می‌کند. این سه مقوله عبارت‌اند از ادبیات صنعتی، دورهٔ طلایی، و دورهٔ فرود.

زیر عنوان ادبیات صنعتی، رمان پاورقی ژانری ادبی در نظر گرفته می‌شود که در طی دورهٔ موردنظر (۱۸۳۶ تا ۱۹۱۴) موفقیت‌هایی را کسب می‌کند، اما درنهایت مغلوب رسانه‌های جدید می‌شود. این رسانه‌های جدید عبارت‌اند از ابتدا سینما و کتاب‌های مصور کمیک، سپس رادیو، و نهایتاً تلویزیون، که در آن امروزه سریال‌های شبیه پاورقی بسیار رواج دارد. او اشاره می‌کند که رواج این نوع سریال‌ها و استقبال فراوان از آن‌ها نشان‌دهندهٔ سرزندگی این ژانر ادبی است که با وجود بدبینی منتقدان، در اشکال دیگر و متکی بر رسانه‌ای جدید به زندگی ادامه می‌دهد.

برت اشاره می‌کند رمان پاورقی مدت مدیدی است که با لقب ادبیات صنعتی (چنان‌که سنت بُو آن را نامید) مورد بی‌مهری قرار گرفته است. ادبیاتی که فقط به دردِ سرایدارها، زن‌ها، کودکان، پیرها، تنبل‌ها، و نهایتاً می‌شود گفت عوام می‌خورد. بالین حال، می‌بایست در نظر داشت که رمان پاورقی بر بازار تولیدِ داستانی قرنِ نوزدهم احاطه داشته است. بدین دلیل که متکی بر روزنامه بوده است و در آن زمان این تنها راهی بوده که از طریق آن نویسنده می‌توانسته خود را به مردم بشناساند، اثرش را بفروشد و دایرهٔ تنگ خواندگانش را گسترده‌تر کند. او تأثیر رمان پاورقی بر آثار نویسندگان مطرح را نیز از نظر دور نداشته و خاطرنشان می‌سازد که بعضی نویسندگان سرشناس ازجمله بالزاک، سان، باربی دُرویلی، زولا، موپاسان تحت تأثیر دورهٔ رواج رمان پاورقی بوده‌اند و از طرفی دیگر به رونق آن کمک کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بعضی از بهترین کارهایشان بدین شکل منتشر شده است.

برت در توضیحات خود تأکید می‌کند که نویسندگانی همچون دوما، سو، پونس دو تری، زوکو یا لرو بودند که نوع جدیدی از خوانندگان را خلق کردند؛ خوانندگانی که اغلب از میان تازه‌باسوادشده‌ها جذب شده بودند و به نقل از لیز کفلک می‌گوید این نویسندگان بودند که «در مرکز مطالعه، مرکز ایدئولوژی و در مرکز قوه خیال» قرار داشتند. او سپس بحث تکراری درباره کیفیت این آثار را پیش می‌کشد و اظهار می‌کند مطمئناً ما می‌توانیم از ضعف نوشتار، استفاده زیاد از باورهای عوامانه یا کلیشه‌ها و تیراژ خطی و تکه‌تکه این آثار انتقاد کنیم، اما نمی‌توانیم کارآمدی و پرباری قوه تخیل در این آثار را انکار کنیم. برت در این میان به مؤلفه‌ای بسیار مهم یعنی لذت اشاره می‌کند و می‌نویسد که حتی امروزه نیز نمی‌توان منکر لذت خواندن بهترین‌های این نویسندگان شد. این رمان‌ها مرتباً چاپ می‌شوند و به اندازه ادبیات نخبه‌گرا با ما حرف می‌زنند. نکته قابل تأمل در توضیحات برت این است که بخش بزرگی از ادبیات نخبه‌گرا در مخالفت با رمان پاورقی پی‌ریزی شده و آن را بسیار تحت شعاع قرار داده است.

او در مبحث دوره طلایی، سه دوره را براساس مطالب کتاب لیز کفلک برای رمان پاورقی مشخص کرده است: دوره اول، از سال ۱۸۳۶ تا ۱۸۶۶ موسوم به دوره رمان پاورقی رمانتیک. در این دوره نویسندگانی مانند الکساندر دوما، اوژن سو، پُل فوُل یا فردریک سولیه در ژانرهایی همچون رمان دریایی یا ماجراهای ملوانان، رمان سیاه یا ترسناک یا گوتیک، رمان تاریخی، رمان اگزوتیک یا داستان‌های عجیب سرزمین‌های دور مثل شرق به موفقیت دست می‌یابند. در تمامی این موارد، رمان دراماتیک است. پر از بازگشت‌ها و دوباره پیوند دادن‌ها، ضربه‌های تئاتری، و احساسات شورانگیز است که بر محور قهرمانی می‌چرخد که اغلب برقرارکننده عدالت است و تنها و منزوی است (مانند مونت کریستو). به لطف این رمان‌ها شمارگان روزنامه‌ها افزایش می‌یابد، اما همچنان در شمارگانی نسبتاً متوسط باقی می‌ماند: پنجاه‌هزار نسخه تا حدود سال ۱۸۶۰.

برت براساس کتاب لیز کفلک دوره بعد را دوره گذار معرفی می‌کند. دوره گذار در پایان امپراتوری دوم و در شروع جمهوری سوم [۱۸۷۰] مطبوعات سیاسی و روزنامه‌های مشهور بیش‌ازپیش گسترش پیدا می‌کنند و در آن‌ها پونس دو تری و فوُل به موفقیت دست می‌یابند.

در این زمان بذر ژانر جدیدی به نام رمان قضایی کاشته می‌شود که بعدها با نام رمان پلیسی شناخته می‌شود.

براساس توضیحات برت، دورهٔ سوم حدود سال ۱۸۷۵ آغاز می‌شود. این دوره همزمان است با دورهٔ طلایی مطبوعاتِ همگانی فرانسه که شمارگان جهانی روزنامه‌های پارسی از یک‌ونیم‌میلیون می‌گذرد و به پنج‌میلیون نسخه می‌رسد. همزمان، شمارگان روزنامه‌های شهرستان از نیم‌میلیون تا چهارمیلیون افزایش می‌یابد. با این وصف، می‌توان تصور کرد که تقاضا برای رمان‌های پاورقی افزایش می‌یابد و به همان میزان رقابت‌هایی میان نویسندگان شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، رمان اجتماعی به موفقیت دست می‌یابد. منظور از رمان اجتماعی در واقع رمان ملودرامی است که احساسات را به کار می‌گیرد و راه را برای رمان سانتیمانتال باز می‌کند و نمونهٔ بارز آن رمان *بانوی نان‌فروش* است و نویسندگان معروف چنین رمان‌هایی هم عبارت‌اند از: *خاویار دو مونته‌پن*، *ژول ماری*، *پیر دوکورسل*. همچنین رمان پلیسی و رمان تاریخی رونق می‌یابند که میشل زوکو به آن جان تازه می‌دهد. علاوه بر این‌ها، رمان *اگزوتیک* و رمان علمی-تخیلی نیز جایگاه خود را پیدا می‌کنند. با وجود اینکه در ابتدای قرن رمان‌های پاورقی در مجموعهٔ معروفی توسط *فیار*، *فرنزی* یا *تلاندیه* چاپ شدند و در جوار نویسندگانی قرار گرفتند که ادبی‌تر و خوش‌نام‌تر هستند، اما جدایی میان این ادبیات و ادبیات نخبه‌گرا (آوانگاردها) بیشتر شد.

بخش پایانی کتاب *کُفلک* به دوران فرود رمان پاورقی در فرانسه پرداخته است. براساس توضیحات او، به‌زودی ظهور سینما و فیلم‌های سریالی اولین ضربه را بر رمان پاورقی وارد می‌کند. رقابت با اشکال دیگری از فرهنگ عامه، تأثیر مخرب دو جنگ جهانی بر مطبوعات، باسوادتر شدن عموم مردم و کاهش قیمت کتاب موجب سقوط تدریجی ژانر پاورقی می‌شود که تا حدود سال ۱۹۴۰ دوام می‌آورد. بنابراین، روزنامه دیگر رسانهٔ ممتازی نیست که به انواع رمان‌های پاورقی شکوه می‌بخشید. حالا این ژانرها در چارچوب مجموعه‌های مشهور و تقسیم‌بندی‌شده‌ای از قبیل مجموعهٔ رمان سانتیمانتال، رمان پلیسی، رمان علمی-تخیلی مستقلاً منتشر می‌شدند.

این ادبیات که ظهور آن در قرن نوزده بر مطبوعات متکی بود و به مخاطبان جدید یعنی تازه‌باسوادشده‌ها وابسته بود، حالا مدت مدیدی است که در کتابخانه‌های عمومی فرانسه منزوی شده و به‌ندرت حق نام برده شدن در کتابخانه‌های مدرن خوانندگان جدید را دارد. باین‌حال، مثل هر نوع ادبیاتی، ادبیات پاورقی نیز نویسندگان و آثاری را به‌جا گذاشته است که آن‌ها را با لذتی که مرتباً تازه می‌شود می‌خوانیم و باز می‌خوانیم، درحالی‌که بسیاری از نویسندگان درخشان آن عصر از قبیل اکتاو فویه، ژرژ اونه، پُل بورجه به فراموشی سپرده شده‌اند.

در فرانسه رمان‌های پاورقی ابتدا در روزنامه‌ها منتشر شدند، ولی در انگلستان ابتدا هفته‌نامه‌ها رمان‌های پاورقی را چاپ کردند و سپس برخی روزنامه‌ها مثل *لندن تلگراف* در سال ۱۸۴۸ نشر رمان‌های پاورقی یا دنباله‌دار را کلید زدند. اولین رمان پاورقی *روزنامه لندن تلگراف*، *میراث پاتلتن* به‌قلم آلبرت اسمیت بود که از فوریه ۱۸۴۸ به‌صورت دنباله‌دار منتشر شد (Law, 2000: 33).

۲.۱.۲. رمان پاورقی در انگلستان

در انگلستان، «پاورقی‌سازی» یا چاپ دنباله‌دار مطالب در روزنامه‌ها و مجلات به قرن هجدهم میلادی برمی‌گردد. در آن زمان چاپ دنباله‌دار مطالب برای آثار غیرداستانی بلند (مثل آثار تاریخی، فرهنگ‌ها و دانش‌نامه‌ها، و رساله‌های دینی) به‌کار گرفته می‌شد. برای مثال، دکتر ساموئل جانسون اثر معروف خود *فرهنگ زبان انگلیسی* را به‌صورت دنباله‌دار، در قالب چند جزوه، منتشر کرد. خوانندگانی که توان مالی خوبی داشتند، پس از خریداری کل این جزوه‌ها، آن‌ها را نزد صحاف می‌بردند تا در یک مجلد برایشان آماده سازد. نمونه‌ای دیگر از چاپ دنباله‌دار آثار غیرداستانی در قرن هجدهم *تاریخ انگلستان* اثر توبیاس اسمالت است که نگارش آن قریب به یک دهه به طول انجامید. هربرت اسپنسر نیز *نظام فلسفه* را به‌صورت پاورقی منتشر کرد. پیش از این‌ها نیز ادوارد وارد اثر اجتماعی خود *جاسوس لندن* را در هجده جزوه به‌صورت مستقل (نه در روزنامه و نه در مجلات) منتشر کرد. نکته مهم در چاپ دنباله‌دار مطالب نظم و قاعده‌مندی بود و عادت دادن مخاطب به انتشار منظم مطالب. بعدها در اواخر قرن هجدهم انتشار دنباله‌دار داستان در مطبوعات رواج یافت و در هر شماره، قسمت بعدی

داستان تبلیغ می‌شد. تبلیغات نقش مهمی در فروش مطالب دنباله‌دار داشت؛ برای نمونه، با تبلیغات گسترده در نشریات بود که بیست‌هزار نسخه از *تاریخ/انگلستان* اسمالت در سرتاسر انگلستان فروخته شد. استقبال از پاورقی‌سازی به حدی بود که حتی کتاب مقدس نیز به صورت دنباله‌دار منتشر می‌شد (Patten, 1975: 53).

اما دوران رونق داستان‌های پاورقی در انگلستان دوران ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱) بود. افزایش جمعیت، رونق سرمایه‌داری، افزایش تعداد باسوادان، توسعهٔ ناوگان حمل‌ونقل، مهاجرت گستردهٔ مردم از روستاها به شهرها، پیشرفت فناوری نشر، افزایش خوانندگان و جز آن جلگی به رونق گرفتن هنجارها و نگره‌های طبقهٔ متوسط کمک کرد و ژانر ادبی محبوب طبقهٔ متوسط هم «داستان»^۳ بود. از این رو در عصر ویکتوریا ژانرهای فرعی بسیاری به ژانر اصلی «داستان» افزوده شد، اما فرم غالب در ادبیات عصر ویکتوریا «رمان» بود؛ این نخستین بار بود که ژانر ادبی غالب دوران‌های گذشته، یعنی «شعر»، زیر سایهٔ رمان قرار می‌گرفت. دربارهٔ اهمیت یافتن ژانر رمان، جاستین مک‌کارتی در شمارهٔ ۸۲ مجلهٔ *وست‌مینستر ریویو*^۴ می‌نویسد: «اکنون رمان‌نویس مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نویسنده است. اگر او را نابغه بدانیم، قدرت اثرگذاری او بر جامعه‌ای که خطاب قرار می‌دهد بسیار بیشتر از هر نویسندهٔ دیگری است. تأثیر دیکنز در مقایسه با توماس ماکاولی و کارلایل بیشتر است» (Hayward, 1997: 28). فضای بیشتر رمان و زبان ساده‌تر و روزمرهٔ آن (در قیاس با شعر) به نویسندگان عصر ویکتوریا امکان می‌داد اوضاع اجتماعی زمانه‌شان را که به «عصر گذار» معروف بود، بهتر منعکس کنند. انگلستان در این دوران تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیاری را از سر گذراند و شاهد رواج خردگرایی علمی (و متعاقباً کم‌رنگ شدن باورمندی دینی) در تمام شئون زندگی بود، و بهترین فرم برای بازتاب دادن این تحولات پیچیده «رمان» بود.

عصر ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱) را معمولاً به سه دورهٔ زمانی تقسیم می‌کنند: دورهٔ آغازین (۱۸۳۷-۱۸۴۸)، دورهٔ میانه (۱۸۴۸-۱۸۷۰) و دورهٔ متأخر (۱۸۷۰-۱۹۰۱). دوران اوج‌گیری رمان ویکتوریایی بین سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۰ بود؛ چارلز دیکنز، خواهران برونته (شارلوت، امیلی، آن)، ویلیام میک‌پیس تکر، الیزابت گسکل، بنجامین دی‌زیلی، چارلز کینگزلی، آنتونی ترالوپ و دیگران در این بازهٔ زمانی می‌نوشتند (Law, 2000: 14). آنچه در رمان‌های

عصر ویکتوریا می‌بینیم، رشد و توسعهٔ رئالیسم و پرداختن به مصائب فرد در برابر جامعه است؛ جامعه‌ای که به سرعت در مسیر صنعتی شدن و سرمایه‌داری افتاده است. ایدهٔ غالب در رمان‌های ویکتوریایی فردگرایی است.

در دوران حکومت ملکه ویکتوریا بیش از ۴۲ هزار رمان در انگلستان انتشار یافت که بیش از نیمی از آن‌ها به صورت دنباله‌دار یا پاورقی چاپ شد. مزیت چاپ دنباله‌دار برای ناشران این بود که هزینه‌کردشان کمتر می‌شد و از همان قسمت اول یک اثر به درآمد حاصل از فروش می‌رسیدند، و همچنین می‌توانستند بازار را بسنجند و تصمیم بگیرند آیا قسمت‌های بعدی یک اثر را هم منتشر کنند یا خیر. بدین ترتیب، نویسندگان تازه‌کار فرصت یافتند آثار خود را به آزمون بگذارند، و ناشران هم استقبال می‌کردند؛ زیرا اگر کار نویسنده‌ای خوب از آب در نمی‌آمد، می‌توانستند جلوی ضرر را بگیرند و انتشار قسمت‌های بعدی را متوقف کنند. یکی از نویسندگان تازه‌کاری که از رهگذر چاپ دنباله‌دار فرصت خودنمایی یافت، ویلیام میک‌پیس تکرری بود. جالب است که ناشر بعد از چاپ قسمت سوم رمان *بازار خودفروشی* می‌خواست انتشار آن را متوقف کند، اما تکرری با شخصیت‌پردازی عالی «بکی شارپ» توانست هم نظر ناشر را برگرداند و هم خوانندگان را مجذوب کند؛ طوری که همه برای خرید شمارهٔ جدید اثر صف بکشند (Martin, 1994: 12).

همزمان با رشد نظام آموزش عمومی و افزایش سواد در جامعه، خوانندگان روزنامه‌ها و مجلات هم بیشتر شد و مطبوعات به فضایی عمومی مبدل گشت که در آنجا مسائل جامعه و سیاست و فرهنگ به بحث و نظر گذاشته می‌شد. به قول بندیکت اندرسون، مطبوعات نقش انکارناپذیری در خلق «اجتماعی خیالی» ایفا و مردم یک سرزمین را به هم مرتبط کرد (Anderson, 2006: 25). دنباله‌دار شدن رمان‌ها در مطبوعات انگلیسی در اوایل سال‌های ۱۸۴۰ رونق گرفت. تا پیش از این تاریخ، گنجاندن داستان در روزنامه‌ها رایج نبود؛ زیرا تصور می‌شد داستان‌های خیال‌انگیز جایی در روزنامه، که شرح وقایع روز است، ندارد. دلیل دیگر هم این بود که برخی روزنامه‌ها و نشریات از داستان‌های دنباله‌دار برای نزاع‌های ایدئولوژیکی استفاده می‌کردند (مثل دعوای دیسچ^۵ و اِرا^۶ در اوایل سال‌های ۱۸۴۰).

رواج یافتن انتشار داستان‌های پاورقی در مطبوعاتِ عصر ویکتوریا سه دلیل عمده داشت: تغییر و تحول در نظام مالیاتی بریتانیا، فعالیت‌های جدید ناشران در فرانسه، و گسترش چاپ دنباله‌دار در میان ناشران لندن (Law, 2000: 32). پس از تصویب لایحهٔ اصلاح بزرگ در سال ۱۸۳۲، جنبشی ایجاد شد برای لغو مالیات بر آموزش عمومی و توسعهٔ دانش. و از آنجا که مطبوعات نیز از ابزارهای توسعهٔ دانش بودند از پرداخت مالیات معاف شدند و در نتیجه شمار و شمارگان روزنامه‌ها و مجلات برای مخاطبان عمومی افزایش و قیمت آن‌ها نیز کاهش یافت (David, 2012: 40-50).

تا پیش از سال‌های ۱۸۶۰، نویسندگان رمان پاورقی غالباً مطالبشان را در مطبوعات با نامی مستعار منتشر می‌کردند (مثلاً دیکنز از نام مستعار «باز» استفاده می‌کرد یا ویلیام میک‌پیس تگری از نام مستعار «مایکل آنجلو تیتمارش»)، اما پس از تاریخ مذکور، نام و نشان مؤلف و امضای او اهمیت فزاینده‌ای یافت؛ طوری که در اواخر سال‌های ۱۸۷۰ ستون‌نویس‌های روزنامه‌ها و مجلات معمولاً افراد سرشناسی بودند که بین آنان برای رسیدن به شهرتِ بیشتر رقابت بود (Hampton, 2006: 2). اکنون دیگر نام و امضای مؤلف کارکرد اجتماعی و فرهنگی یافته بود. خوانندگان اگر نام دیکنز، تگری یا ترالوپ را در آغاز اثری می‌دیدند بیشتر استقبال می‌کردند. موفقیت داستان‌های دنباله‌دار دیکنز و تگری هم به موفقیت ژانر رمان در عصر ویکتوریا کمک کرد و هم به خوانندگان یاد داد چگونه از داستان‌خوانی لذت ببرند. تعلیق در پایان هر قسمت از داستان موجب می‌شد خوانندگان، حین انتظار برای قسمت آتی در هفته یا ماه بعد، دربارهٔ قسمت پیشین داستان تفکر کنند، با یکدیگر دربارهٔ طرح داستان، شخصیت‌ها و آنچه در ادامه ممکن است رخ دهد گفت‌وگو کنند، و خلاصه اینکه یاد گرفتند با داستان‌ها زندگی کنند (Law, 2000: 61-94).

پیش‌تر گفتیم که در عصر ویکتوریا ژانرهای فرعی بسیاری به ژانر اصلی «داستان» افزوده شد که یکی از علل اصلی آن پاورقی‌سازی رمان‌ها و ایجاد فرصت برای بدعت‌گذاری و تجربه‌گری بود. از این میان می‌توان به چند ژانر فرعی محبوب بین مردم اشاره کرد: رمان‌های موسوم به «وضع انگلستان» یا «مسئلهٔ اجتماعی»، رمان‌های جنایی ماجراجویانه موسوم به

«داستان نیوگیت»، رمان‌های دهشت‌زا موسوم به «یک پنی خون» یا «یک پنی وحشت»، رمان‌های هیجانی و احساسی، و رمان‌های تاریخی.

۳.۱.۲. رمان پاورقی در روسیه

نویسنده روس، نیکولای کارامزین، رمان *لیزای بیچاره* را در مجله مسکو (۱۷۹۲) که متعلق به خودش بود چاپ کرد. بعدها مجله‌های وزین‌تر روسیه رمان‌هایی از جمله *توده‌های بیچاره* را در ۱۸۴۶، *همزد* را در ۱۸۴۶ و *جنایت و مکافات* و *برادران کارامازوف* را از ۱۸۷۹ تا ۱۸۸۰ بدین صورت چاپ کردند. مجله‌هایی که آثار اخیر را چاپ کردند عبارت‌اند از: *راسکی وستنیک* (راشن مسنجر)^۷ و *پترزبورگزکی اسبورنیک*^۸ (Johnson Woods, 2014: 1110). با توجه به اینکه بسیاری از نویسندگان رئالیست روسی روزنامه‌نگار نیز بودند، رمان پاورقی در توسعه و گسترش رمان‌های رئالیست روسی نقش مؤثری داشته است. درواقع، بیشتر رمان‌های بزرگ روسی به‌صورت پاورقی به جامعه عرضه شدند که این شرایط حتی بر ترکیب و شکل رمان‌های روسی نیز مؤثر بوده است (Trras, in Jones, 1998: 190-206). به‌هرروی، رمان پاورقی پس از فرانسه و انگلستان به دیگر نقاط جهان نیز راه یافت. در روسیه قرن نوزدهم اغلب رمان‌ها به‌صورت پاورقی منتشر می‌شد که از میان آن‌ها می‌توان به شاهکارهایی همچون *پدران و پسران* اثر تورگنیف، *جنگ و صلح* و *آنا کارنینا* به‌قلم تولستوی، *کشیش کلیسا* اثر نیکلای لسکوف و *جنایت و مکافات* و *برادران کارامازوف* نوشته داستایفسکی اشاره کرد، که در مجله *راشن مسنجر* چاپ شدند.

۴.۱.۲. رمان پاورقی در آمریکا

در آمریکا نیز پاورقی‌سازی رمان‌ها از اواخر دهه‌های ۱۷۸۰ و ۱۷۹۰ شروع شد. در آن زمان بازار چاپ و نشر کتاب وضع خوبی نداشت و در رکود بود؛ انتشار دنباله‌دار رمان موجب کاهش هزینه‌ها می‌شد. در ضمن، دولت آمریکا در سال ۱۷۹۲ (در دوران ریاست‌جمهوری جرج واشینگتن) قانونی را وضع کرد که به‌موجب آن دولت موظف می‌شد برای انتشار و توزیع روزنامه‌ها و مجلات در سرتاسر کشور یارانه پرداخت کند (اما برای چاپ کتاب چنین یارانه‌ای در کار نبود). در نتیجه، ناشران و رمان‌نویسان به چاپ دنباله‌دار آثار داستانی روی آوردند. برای نمونه، در سال ۱۷۸۷ *نشریه کلمبین مگزین*^۹ فراخوانی داد و رسماً از داستان‌نویسان

دعوت کرد آثارشان را برای انتشار به‌صورت دنباله‌دار به این مجله بپارند. از نخستین رمان‌های پاورقی در تاریخ ادبیات آمریکا/ملیا یا بریتانیایی بی‌وفا (۱۷۸۹) بود که به شرح زندگی دختری آمریکایی می‌پردازد که اسیر نیرنگ سربازی بریتانیایی می‌شود و معصومیتش را از دست می‌دهد. عموم مردم آمریکا از چنین موضوعاتی استقبال می‌کردند؛ زیرا آنان را به یاد «جنگ استقلال آمریکا» [از بریتانیا] می‌انداخت. از دیگر پاورقی‌نویسان آمریکایی می‌توان به چارلز براکدن براون اشاره کرد که رمان‌های *آرتور مروین* (۱۷۹۸) و *مردی در خانه* (۱۷۹۹) را نوشت، و جان ویلیام دِ فورست که رمان‌های رئالیستی‌ای همچون *از راه خشکی* و *کیت بومان* را نوشت.

در آمریکا مطبوعات به توسعهٔ صنعت کتاب و کتاب‌خوانی کمک کردند. بسیاری از نویسندگان بزرگ آمریکا ابتدا در روزنامه‌ها و مجله‌ها قلم می‌زدند؛ ازجمله سوفیا استیونز، والت ویتمن، هریت بیچر استو، هرمان ملویل، مارک تواین و ویلیام دین هاوِلز. از معروف‌ترین مجلات آن زمان که داستان‌های پاورقی منتشر می‌کرد *بوستون*، *استار* و *هارپر* بودند. این مجلات، علاوه بر چاپ داستان‌های نویسندگان آمریکایی، حق انتشار و توزیع رمان‌های نویسندگان انگلیسی را هم خریده بودند و آن‌ها را به‌صورت دنباله‌دار در سرتاسر کشور منتشر می‌کردند. تأثیرگذارترین رمان پاورقی آمریکا در میانهٔ قرن نوزدهم را هریت بیچر استو تحت عنوان *کلبهٔ عمو تام* نوشت که به جنبش‌های لغو بردگی یاری رساند. پس از او نیز نویسندگان بزرگی همچون ملویل و هاتورن برخی آثار داستانی‌شان را به‌صورت پاورقی منتشر کردند، اما برجسته‌ترین رمان‌های پاورقی اواخر قرن نوزدهم را در آمریکا هنری جیمز نوشت. جیمز رمان *تصویر یک بانو* را در چهارده قسمت در ماهنامهٔ *آتلانتیک* منتشر کرد و برای هر صفحهٔ آن پانزده دلار دریافت کرد، که مبلغ نسبتاً خوبی بود؛ برای همین هم هنری جیمز بیشتر آثار داستانی بلند خود را ابتدا به‌صورت پاورقی منتشر و پس از اتمام، آن‌ها را در قالب کتاب روانهٔ بازار می‌کرد.

همان‌طور که گفته شد، پاورقی‌نویسی شیوهٔ غالب بازنمایی روایی در قرن نوزدهم بود، ولی به‌تدریج با نزدیک شدن به قرن بیستم و دوران مدرنیسم از رونق افتاد. نویسندگان مدرنیست معمولاً در برابر انتشار دنباله‌دار رمان خود مقاومت می‌کردند؛ زیرا آن را مخرب فرم

و محتوای اثر می‌دانستند. با وجود این، آثار برجسته و ماندگاری همچون *دل تاریکی* به قلم جوزف کنراد (در سه قسمت در مجله *بلک‌وود*^{۱۴})، *ولیس* اثر جیمز جویس (از مارس ۱۹۱۸ تا دسامبر ۱۹۲۰ در مجله *لیتل ریویو*^{۱۵})، *تار* اثر ویندم لویس (از آوریل ۱۹۱۶ تا نوامبر ۱۹۱۷ در مجله *گویست*^{۱۶})، *لطیف/ست شب* از اسکات فیتزجرالد (از ژانویه تا آوریل ۱۹۳۴)، *خنده* در تاریکی اثر ولادیمیر ناباکف، و بعدها *رؤیای آمریکایی* نورمن میلر به صورت پاورقی منتشر شدند (Okker, 2010: Chapter One).

هنوز هم در اروپا و آمریکا انتشار داستان‌های پاورقی رواج دارد و این ژانر، برخلاف سرنوشت آن در ایران، هنوز زنده است و نفس می‌کشد. رمان ستایش‌شده *آتش نخوت* اثر تام وولف به صورت پاورقی منتشر شد؛ رمان‌های استیون کینگ، رابرت جی. سایر، کارل شرودر و آرسون اسکات کارد به صورت پاورقی منتشر شده‌اند. امروزه نیز اینترنت فضایی مناسب را برای انتشار داستان‌های دنباله‌دار فراهم کرده است.

۲.۲. رمان پاورقی در ایران

در یکی از دقیق‌ترین پژوهش‌ها درباره تاریخ رمان پاورقی فارسی، دوره‌های انتشار پاورقی در مطبوعات فارسی از آغاز تا انقلاب ۵۷ به چهار دوره تقسیم شده است: ۱. دوره پیش از انقلاب مشروطیت؛ ۲. از انقلاب مشروطه تا سلطنت رضاشاه پهلوی؛ ۳. دوره شانزده ساله رضاشاه؛ ۴. دوران سلطنت محمدرضاشاه پهلوی. در این دوره‌بندی، دوره چهارم نیز به سه بخش تقسیم شده است: اول: از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷؛ دوم: از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ سوم: از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۹ مرداد ۱۳۵۳؛ چهارم: از ۲۹ مرداد ۱۳۵۳ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (الهی، ۱۳۷۷: ۷۱۶-۷۳۴). ما در بررسی خود وضع رمان پاورقی در ایران را به سه دوره مشخص محدود کردیم: ۱. از آغاز تا حدود سال‌های ۱۳۰۰؛ ۲. از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰؛ ۳. ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲. دوره نخست از تاریخ انتشار نخستین شماره *وقایع/تفلیقه* به تاریخ ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷، ۱۸ دی ۱۲۲۹، ۸ ژانویه ۱۸۵۱ (سال سوم پادشاهی ناصرالدین‌شاه) آغاز می‌شود و در تاریخ انتشار آخرین شماره *کاو*، یعنی اول ربیع‌الثانی ۱۳۴۰، اول دسامبر ۱۹۲۱ میلادی، ۱۱ آذر ۱۳۰۰، به پایان می‌رسد. از میان روزنامه‌های بررسی‌شده این دوره، انتشار *حبل‌المتین* پس از سال ۱۳۰۰ خورشیدی (تا سه‌شنبه، ۱۸ آذرماه ۱۳۰۹، ۱۷ رجب ۱۳۴۹،

۹ دسامبر ۱۹۳۰، سال سی‌ونهم) ادامه یافت که با توجه به تاریخ نخستین شمارهٔ آن (۲۸ آذر ۱۲۷۲، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۱، ۱۹ دسامبر ۱۸۹۳)، بخش عمدهٔ انتشار این روزنامه، یعنی ۲۸ سال، در دورهٔ موردنظر ما بوده است. در این دورهٔ حدوداً هفتادساله پانزده روزنامهٔ چاپ داخل و شش روزنامهٔ چاپ خارج را با مراجعهٔ مستقیم بررسی کردیم. این روزنامه‌ها عبارت‌اند از چند روزنامهٔ بسیار معروف شامل *وقایع اتفاقیه*، *دولت علیه ایران*، *ملتی*، *ایران*، *ایران سلطانی*، *ایران* (سری جدید)، *تربیت*، *ناصری*، *فرهنگ اصفهان*، *صبح صادق* و همچنین، برای نمونه، پنج روزنامهٔ کم‌اهمیت‌تر در مقایسه با روزنامه‌های یادشده که در اصفهان منتشر می‌شدند شامل *الجناب*، *جهاد اکبر*، *فرج بعد از شدت*، *انجمن بلدیه اصفهان*، و *ناقور*. روزنامه‌های مهم و تأثیرگذاری که در این دوره در خارج از ایران منتشر می‌شدند عبارت‌اند از: *اختر*، *حبل‌المتین*، *پرورش*، *کاوه*، *قانون*، و *ثریا*. این شش روزنامه نیز با مراجعهٔ مستقیم بررسی شدند. تحلیل نتایج اطلاعات جالب توجهی به ما ارائه می‌کند. در کل این دورهٔ هفتادساله، تنها تعداد ده رمان به‌صورت پاورقی روزنامه‌ها منتشر شده است.

در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، در حیطهٔ سیاست، با روی کار آمدن رضاشاه و تشکیل دولت‌ملت (یا دولت شبه‌مدرن)، مدرنیزاسیون (غربی‌سازی) کشور به برنامهٔ اصلی تبدیل شد. مدرنیته‌ای که در دورهٔ رضاشاه دنبال می‌شد [عمدتاً] به وجوه تکنولوژیک و صنعتی محدود می‌شد و از «عقلانیت عام مدرن» غافل بود و هرگونه پیامد عقل‌ابزاری مدرن را نادیده می‌گرفت (جهانبگلو، ۱۳۹۵: ۳۰). در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، به‌طور مشخص در سال ۱۳۰۱ متمم قانون مطبوعات به‌منظور نظارت بیشتر بر مطبوعات در مجلس شورای ملی تصویب شد. در دورهٔ شانزده‌سالهٔ حکومت رضاشاه مطبوعات تحت کنترل و سانسور شدید دولت قرار داشتند، اما انتشار مطبوعات در این دوره انتظام بیشتری یافت و انتشار رمان پاورقی فزونی گرفت. در این دوره، جذب ایران در اقتصاد جهانی سرعت بیشتر گرفت، ارتباط با غرب بیشتر شد، صنایع رشد کرد و فاصله از ساختارهای سنتی بیشتر شد. آموزش عمومی و گسترش طبقهٔ باسواد و تحصیل‌کرده نیز از ویژگی‌های این دوره به‌شمار می‌آید. یکی دیگر از ویژگی‌های این مقطع ایجاد امنیت در کشور بود که این امر نیز در بهبود وضع انتشار

مطبوعات و همچنین پخش آن در سراسر کشور بسیار مؤثر بوده است. در چنین شرایطی است که دوره یا به عبارت دقیق‌تر مقطعی دیگر از انتشار مطبوعات در ایران شکل می‌گیرد. از آنجا که این دوره حدوداً بیست‌ساله را باید نخستین دوره رواج رمان پاورقی در ایران به‌شمار آوریم، در این پژوهش تطبیقی، همین دوره می‌تواند ملاک مقایسه قرار گیرد و به همین علت بررسی رمان‌های پاورقی در این دوره در کانون توجه این پژوهش قرار گرفته است. بر این اساس، شش روزنامه معروف این دوره یعنی، *ایران* (سری جدید)، *کوشش*، *شفق سرخ*، *اقدام*، *ستاره ایران*، و *ستاره جهان* را بررسی کرده‌ایم. پژوهش ما در این باره با مراجعه مستقیم به آرشیو نشریات یادشده و بررسی ده‌ها هزار شماره از روزنامه‌های یادشده صورت گرفته است. دامنه بررسی ما از این روزنامه‌ها بدین شرح است: روزنامه *ایران*، از شماره ۱۰۲۸، سال ششم، جمعه، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰، ۱۰ قوس ۱۳۰۰، ۲ سپتامبر ۱۹۲۱ تا شماره ۶۵۶۲، سال بیست‌وپنجم، یکشنبه، ۴ خرداد ۱۳۲۰؛ *شفق سرخ*، از شماره ۱، پنجشنبه ۱۱ حوت [اسفند] ۱۳۰۰، ۲ رجب ۱۳۴۰، ۳۰ فوریه ۱۹۲۲، تا شماره ۲۹۱۳، ۲۲ فروردین ۱۳۱۴، [۱۲] آوریل [۱۹۳۵]؛ روزنامه *اقدام*، از سال پنجم، ۹ فروردین ۱۳۰۵، شماره ۱، مسلسل ۱۷۳ تا شماره ۱۳۹۵، ۱۲ آبان ۱۳۱۰؛ *ستاره ایران*، از شماره ۲، ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۴۱، ۴ اسد [مرداد] ۱۳۰۲، ۲۸ ژوئیه ۱۹۲۳ تا شماره ۲۷۳، سال سیزدهم، ۳۱ تیر ۱۳۰۷، ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۸؛ *ستاره جهان*، از ۱۷ دی ۱۳۰۷، ۲۵ رجب ۱۳۴۷، ۷ ژانویه ۱۹۲۹ تا سال دهم، شماره ۲۵۶۱، ۲۰ مرداد ۱۳۱۷، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۵۷، ۱۱ آگوست ۱۹۳۸.

بررسی ما نشان می‌دهد تعداد ۱۵۷ رمان در این روزنامه‌ها به‌صورت پاورقی منتشر شده‌اند. در این میان، تعداد ۳۰ رمان تألیف و ۱۲۷ رمان ترجمه بوده‌اند. فهرست رمان‌های ترجمه‌ای به شرح زیر است (در فهرست زیر تعداد جلدها را ذیل عنوانی واحد آورده‌ایم):

۱. جلد سوم *پار دیان‌ها*، فستا - میشل زواگو؛ ۲. جلد چهارم *پار دیان‌ها*، هانری سوم - میشل زواگو؛ ۳. *آخرین ملکه روسیه* - شارل و هانری اسا؛ ۴. *حوا / امروز* - نیکولا حداد؛ ۵. *سرگذشت سلیمان* - ژورژ دو کرو؛ ۶. *طرقه سفید* - آلفرد دوموسه؛ ۷. *رستخیز* - لاون تولسوی؛ ۸. جلد اول *کاپیتان* - میشل زواگو؛ ۹. جلد دوم *کاپیتان* - میشل زواگو؛ ۱۰. *مادموازل تره سیه* - البرت دلپیت؛ ۱۱. *یگان بازمانده رومانف‌ها* - ؟؛ ۱۲. *نتردام* - ویکتور هوگو؛ ۱۳. *کاپیتان شقایق*

- پون سن دو ترایل؛ ۱۴. ماگدولین - آلفونس کار؛ ۱۵. جلد اول ژوآلیه دو مزون روژ - الکساندر دوما؛ ۱۶. جلد دوم ژوآلیه دو مزون روژ - الکساندر دوما؛ ۱۷. جاسوس لنگ - ویلیام والنسون؛ ۱۸. کنت دمونگو مری - الکساندر دوما؛ ۱۹. در خانهٔ مستر افتر - ؟؛ ۲۰. جلد اول تا پنجم یهودی سرگردان - اوژن سو؛ ۲۱. رنه - شاتو بریان؛ ۲۲. آتالا - شاتو بریان؛ ۲۳. گرازبلا - لامارتین؛ ۲۴. لالهٔ سیاه - الکساندر دوما؛ ۲۵. ناتنا (نانا) - امیل زولا؛ ۲۶. خواهر هارون الرشید - جرجی زیدان؛ ۲۷. امین و مأمون - جرجی زیدان؛ ۲۸. آخر دنیا - کامیل نیکولاس فلاماریون؛ ۲۹. پسرکاپیتان یا شوالیه شاه - میشل زواگو؛ ۳۰. جلد اول تا چهارم بوریدان: پهلوان برج نل - میشل زواگو؛ ۳۱. ثمیله - دوشن؛ ۳۲. مارگو - آلفرد دوموسه؛ ۳۳. معجزهٔ گرگان - مازوئل؛ ۳۴. جلد اول و دوم ماری رز - میشل زواگو؛ ۳۵. جلد اول و دوم قصر سن پول - میشل زواگو؛ ۳۶. نامه‌های ایرانی - مونتسکیو؛ ۳۷. دختر فداکار - ؟؛ ۳۸. جلد اول و دوم ژان دلاور - میشل زواگو؛ ۳۹. جلد تا سوم ملکه ایزابو - میشل زواگو؛ ۴۰. جلد اول تا پنجم بینوایان - ویکتور هوگو؛ ۴۱. دختر ساده‌لوح - پل روزه؛ ۴۲. جلد اول و دوم مارکیز دو پمپادور - میشل زواگو؛ ۴۳. رقیب لویی پانزدهم - میشل زواگو؛ ۴۴. فرشتهٔ لبنان - نیکولا حداد؛ ۴۵. مادموازل سیسیل - الکساندر دوما؛ ۴۶. ژولی - ژان ژاک روسو؛ ۴۷. انگشتر نقره - ژرژ دو بوافره؛ ۴۸. پسران من - پل دومر؛ ۴۹. جلد اول تا سوم پل مونترو - میشل زواگو؛ ۵۰. مادر بی‌گناه - گزاویه دو منتین؛ ۵۱. دختر مونتروما - رید هاگر (اچ. رایدر هگارد)؛ ۵۲. سه یار دبستانی - هالدین ماگفال؛ ۵۳. اسرار نیویورک - پیر دکورسل؛ ۵۴. دختر گمنام - ژول ماری؛ ۵۵. یک عمر آشکباری - امیل ریشبورگ؛ ۵۶. دو یتیمه - آدولف دوتری؛ ۵۷. سیصد هزار کیلومتر با استاویسکی - اوژن پورج؛ ۵۸. تحت‌البحری مقابل نیویورک - آیگمان؛ ۵۹. زندگی هنرمندان - هانری مورژه؛ ۶۰. اشک ستاره‌ها - موریس دوکبرا؛ ۶۱. جمیله - هانری بردو؛ ۶۲. شرمسار - ژول ماری؛ ۶۳. واترلو - پیر آرورس؛ ۶۴. محبوس سنت هلن - ؟؛ ۶۵. سرگذشت کلفت - آلفونس د لامارتین؛ ۶۶. ژوزت - پل ربو؛ ۶۷. مردی که طلا می‌سازد - کنان ویل؛ ۶۸. پرواز یکسره از لندن تا چین - ؟؛ ۶۹. ضربت دشنه - آگاتا کریستی؛ ۷۰. یک زندگانی - گی دو موپاسان؛ ۷۱. می‌پرست - ژول ماری؛ ۷۲. طفل گمشده - ژورژ اسپیتز مولر؛ ۷۳. یادداشتی از عملیات شرلوک هولمز - آرتور کانن دیویل؛ ۷۴. آقای پوارو متهم شده است -

آگاتا کریستی؛ ۷۵. دو نیروی مخفی در قبال اشعه مرگ - شارل روبر دوما؛ ۷۶. دو خواهر - پل فوال؛ ۷۷. جلد اول تا ششم ماجرای دل - مارسل آلن؛ ۷۸. تازه‌ترین گزارش جهانگردی در شمال - روژ روسل (روژه ورسل)؛ ۷۹. چه کسی گلوله را خالی کرده است؟ - کارل کلوزن؛ ۸۰. جنایت منت کارلو - هانری هولت؛ ۸۱. جامه پشمین - هانری بردو؛ ۸۲. ستیزه هوش و ذکاوت - الکساندر دوما (شارل روبر دوما)؛ ۸۳. آقایان قضات، قاتل اصلی را جست‌وجو کنید! - رالف گولدمان؛ ۸۴. اسرار قلب شکسته - ادمون روستان؛ ۸۵. یک قتل عجیب در ضیافت تبهکاران - آگاتا کریستی؛ ۸۶. جلد دوم و سوم چگونه فرشته/هریمن می‌شود - خانم هانری وود؛ ۸۷. قسمت دوم هدف زندگی - خانم هانری وود؛ ۸۸. هنگامی که از حوادث آینده باخبر هستیم - ژاک اسپیتز؛ ۸۹. ما سه مرد بی‌بضاعت هستیم - موریس دکبرا؛ ۹۰. یک راز شگفت‌انگیز در خط هوایی - اوی سارل بروک؛ ۹۱. در پشت پرده بازارهای زغال سفید - میشل گاندی؛ ۹۲. ده تبهکاری بهت‌آور - آگاتا کریستی؛ ۹۳. اسرار پاریس - اوژن سو؛ ۹۴. علوم و اختراعات و عشق - فرانک کینگ؛ ۹۵. بازرسی من - رالف گولدمان؛ ۹۶. جاسوس زیبا - موریس لبنان؛ ۹۷. قسمت اول خانه سری - ژول ماری؛ ۹۸. شعاع زرد - هرمان لندن؛ ۹۹. دوشیزه متهم - آ. لوینگستن؛ ۱۰۰. اسرار هفتگانه - لسی شارتریس.

به عبارتی، حدود بیست درصد رمان‌های پاورقی منتشرشده در این دوره تألیف و حدود هشتاد درصد آن‌ها ترجمه بوده‌اند. چنان‌که در فهرست بالا مشخص است، زبان مبدأ اکثریت نزدیک به اتفاق پاورقی‌های ترجمه فرانسوی بوده است.

۳. نتیجه‌گیری

چنان‌که در بحث مربوط به رمان پاورقی در غرب دیدیم، انتشار این نوع رمان در مطبوعات از سال‌های دهه ۱۸۳۰م. در غرب آغاز شده و در سده نوزدهم میلادی کاملاً رایج بوده است. تثبیت و رواج نوع ادبی رمان نیز به سده هجدهم میلادی برمی‌گردد. در نتیجه، انتشار رمان پاورقی در مطبوعات در غرب زمانی رایج شده است که دست‌کم حدود یک سده از طلوع و رواج نوع ادبی رمان می‌گذشته و افزون بر این، قبل از آن، انتشار رمان به‌صورت دنباله‌دار در قالب جزوه نیز مرسوم بوده است. اهمیت این موضوع آن‌گاه روشن می‌شود که بدانیم نخستین طلیعه‌های رمان فارسی به دهه‌های پایانی سده نوزدهم میلادی باز می‌گردد. برای نمونه، در

این مورد، میرعابدینی در *صد سال داستان نویسی ایران* (۱۳۸۷) ترجمهٔ کتاب ستارگان فریب‌خورده، حکایت یوسف‌شاه نوشتهٔ آخوندزاده به‌دست میرزا جعفر قراجه‌داغی را از نخستین طلعه‌های رمان فارسی می‌داند. این پژوهشگر همچنین *سیاحتنامهٔ ابراهیم بیگ* یا *بلای تعصب* / او از زین‌العابدین مراغه‌ای را رمان می‌داند (۱۹-۲۰). بالایی در *پیدایش رمان فارسی* (۱۳۷۷) نیز این اثر اخیر را رمان دانسته است. گفتنی است که نگارش نخستین رمان‌ها در ایران به عبارت دقیق به اوایل سدهٔ بیستم میلادی مربوط می‌شود. درواقع، در کشورمان، به‌صورت تقریبی، می‌توان پیدایش نوع ادبی رمان و رمان پاورقی را هم‌زمان دانست. تفاوت دیگر اینکه انتشار مطبوعات در غرب سابقه‌ای بسیار طولانی‌تر داشته و پیش از آن نیز چاپ و انتشار چند سده رایج بوده است. درواقع، برخلاف وضع کشورمان، فاصلهٔ زمانی زیادی بین اختراع گوتنبرگ و رواج صنعت چاپ و انتشار کتاب با انتشار مطبوعات در این کشورها دیده می‌شود. با اختراع گوتنبرگ در سال ۱۴۳۶م. چاپخانه در اروپا گسترش یافت و درنتیجه، ارتباط نوشتاری از طریق کتاب همه‌گیر شد، اما روزنامه خیلی دیرتر، یعنی حدود ۱۶۰ سال بعد، پا به عرصهٔ وجود گذاشت. نخستین روزنامهٔ جهان با نام *رلشین*^{۱۷} در استراسبورگ در ۱۶۰۵م. منتشر شد. پس از آن، نخستین روزنامهٔ بلژیک در سال ۱۶۱۶م. منتشر شد. نخستین روزنامهٔ انگلستان در ۱۶۲۱م، فرانسه ۱۶۳۱م، و سوئد ۱۶۴۵م. منتشر شد. نخستین انتشار روزنامه‌های مدرن آمریکا هم سال ۱۷۳۴م. بوده است (شکرخواه، ۱۳۹۴، ۱۶۰-۱۶۲). در کشورمان، نخستین چاپخانه با حروف سرب در سال ۱۲۲۷ق. (۱۸۱۱-۱۸۱۲م.) در تبریز تأسیس شد و تهران در حدود سال ۱۲۳۹ق. (۱۸۲۵م.) صاحب چاپخانه شد. چاپ سنگی در حدود سال‌های ۱۲۴۰-۱۲۶۰ق. در تبریز نصب شد و چون این شیوه شکل نگارش مرسوم فارسی را حفظ می‌کرد با استقبال روبه‌رو شد. چاپ سربی بیش از یک دهه بعد در تهران نصب شد، اما تا سال ۱۲۹۰ق. (۱۸۷۳م.) که تکثیر مطالب در نسخه‌ها بسیار ضروری شد، تثبیت نشده بود (بالایی و کویی‌پرس، ۱۳۶۶: ۱۳). اما نخستین روزنامهٔ فارسی در ایران در سال ۱۳۵۲ق. منتشر شد (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۱). از اینجا تاریخ مطبوعات فارسی داخلی کشورمان آغاز می‌شود.

توجه به این دو نکته، یعنی تثبیت و رواج نوع ادبی رمان در غرب بیش از یک سده پیش از رواج رمان پاورقی در آنجا و همچنین رواج مطبوعات چندین سده پیش از پیدایی رمان پاورقی، ازجمله مهم‌ترین عواملی است که سبب می‌شود تاریخ ظهور و تطور رمان پاورقی فارسی در کشورمان، به‌رغم شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز با تاریخ ظهور و تطور این نوع ادبی در غرب داشته باشد. گسترش شهرنشینی و پیدایی طبقه متوسط در نتیجه انقلاب صنعتی، گسترش صنعت چاپ، رواج نظام آموزش عمومی و گسترش تعداد باسوادان، شمارگان میلیون‌نشریات در کشورهای موردبحث از عوامل رواج رمان پاورقی در غرب بوده است. به این عوامل، عوامل دیگری از قبیل نظام مالیاتی (مورد بریتانیا) یا اعطای یارانه به نشریات (مورد آمریکا) را نیز باید افزود. نقش امنیت در انتشار نشریات و انواع ارتباطات دولت‌ها با نشریات از قانون‌گذاری گرفته تا مباحث مالی نیز از جمله مواردی است که به‌ویژه در کشورمان با توجه به چیرگی ساخت سیاسی بر دیگر ساخت‌ها باید در نظر گرفته شود.

چنان‌که دیدیم، اکثریت نزدیک به اتفاق رمان‌های ترجمه‌ای در دوره موردنظر ما در ایران از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند که چنین یافته‌ای تأثیرات نیرومند ترجمه رمان پاورقی فرانسه بر پیدایی و رواج رمان پاورقی فارسی را نشان می‌دهد. نکته پایانی اینکه بررسی ما نشان می‌دهد که حدود پنجاه درصد از رمان‌های پاورقی منتشرشده در این دوره رمان تاریخی است. بعضی از پژوهشگران تاریخ رمان انتخاب رمان‌های تاریخی برای ترجمه در این دوره را با وضع این نوع ادبی در فرانسه مربوط دانسته‌اند و از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق این رمان‌ها از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند نشان داده‌اند که چنین گرایشی تحت تأثیر فضای ادبی فرانسه در قرن نوزدهم بوده است (بالایی و کویی‌پرس، ۱۳۶۶: ۳۰). با توجه به یافته‌های ما در این مقاله، این نکته را، به‌منزله یکی از عوامل رواج رمان پاورقی تاریخی، به رمان پاورقی نیز می‌توان تعمیم داد. چنین امری تأثیرات نیرومند ترجمه رمان پاورقی از زبان فرانسه بر پیدایی و رواج این نوع ادبی در ایران را آشکار می‌سازد.

پی‌نوشت

1. roman-feuilleton
2. *La Presse*
3. Fiction
4. *Westminster Review*
5. *Dispatch*
6. *Era*
7. *Russkiy Vestnik (The Russian Messenger)*
8. *Petersburgski Sbornik*
9. *Columbian Magazine*
10. *Boston*
11. *Star*
12. *Harper*
13. *Atlantic*
14. *Blackwood*
15. *Little Review*
16. *Egoist*
17. *Relation*

منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. جلد ۲. تهران: زوار.
- الهی، صدرالدین (۱۳۷۷). «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران (بخش اول)». *ایران شناسی*. شماره ۲: ۳۴۱-۳۲۷.
- الهی، صدرالدین (۱۳۷۷). «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران (بخش سوم/الف)». *ایران شناسی*. شماره ۴۰: ۷۱۶-۷۳۳.
- الهی، صدرالدین (۱۳۷۷). «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران (بخش سوم/ب)». *ایران شناسی*. شماره ۴۱: ۱۰۱-۱۲۴.
- بالایی، کریستف (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*. ترجمه مهوش قویمی و نسرين خطاط. تهران: معین و انجمن ایران شناسی فرانسه.
- بالایی، کریستف؛ کوپی پرس، میشل (۱۳۶۶). *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*. ترجمه احمد کریمی حکاک. تهران: پایپروس.
- بهزادی، علی (۱۳۷۳). «ظهور، اوج و سقوط پاورقی نویسی در مطبوعات ایران». *گردون*. شماره‌های ۲۶ و ۲۵: ۴۴-۴۲.
- بیضاوی، سوسن (۱۳۷۹). «رمان پاورقی، انقلابی ادبی». *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*. جلد ۱۱، شماره‌های ۱ و ۲: ۱-۲۰.
- پارسانسب، محمد (۱۳۹۰). *نظریه و نقد رمان تاریخی فارسی*. ۱۳۴۸-۱۳۳۲. تهران: چشمه.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۹۵). *ایران و مدرنیته: گفت‌وگوهای رامین جهانبگلو*. چاپ چهارم. تهران: نشر قطره.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سپهران، کامران (۱۳۸۱). *رد پای تزلزل: رمان تاریخی ایران ۱۳۰۰-۱۳۳۰*. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- شاکری، عبدالرسول؛ فرهمندفر، مسعود (۱۴۰۱). «مردم و ادبیات: نگاهی به تاریخ رمان عامه‌پسند: یک دوره‌بندی پیشنهادی». *پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی*. سال اول، شماره ۱: ۳۹-۵۰.
- شکرخواه، یونس (۱۳۹۴). «پیشینه مطبوعات جهان» در *تاریخ مطبوعات ایران*. تهران: ثانیه.
- قاسمی، سیدفرید (۱۳۹۴). *تاریخ مطبوعات ایران*. تهران: ثانیه.
- کارل، ئی. ایچ (۱۳۸۷). *تاریخ چیست؟ ترجمه حسن کامشاد*. تهران: خوارزمی.

- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۴). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. جلد‌های ۱ و ۲. تهران: چشمه.
- Anderson, B. (2006). *Imagined communities: reflections on the origin and spread of nationalism*. Verso books.
- David, D. (ed.). (2012). *The cambridge companion to the victorian novel*. Cambridge university press.
- Fleishman, A. (1971). *The english historical novel: walter scott to virginia woolf*. Baltimore: Johns hopkins press.
- Frazier, M. (2010). "Turgenev and a proliferating french press: The feuilleton and feuilletonistic in a nest of the gentry". *Slavic review*, 69 (4), 925-943.
- Hampton, M. (2006). Laurel Brake and Julie F. Codell, eds. *Encounters in the Victorian press: editors, authors, readers. palgrave studies in nineteenth-century writing and culture*. London: Palgrave macmillan, 2005. pp. xiv+ 268. \$69.95. *Journal of british studies*, 45 (1), 194-195.
- Hayward, J. P. (1997). *Consuming pleasures: active audiences and serial fictions from dickens to soap opera*. University press of kentucky.
- Johnson Woods, T. (2014) "Roman feuilleton", in *Encyclopedia of the novel*. ed. Pauls Chellinger, pp. 1108-1110. London: Rutledge.
- Jones, G. (1998). *The cambridge companion to the classic russian novel*. Cambridge university press.
- Law, G. (2000). *Serializing fiction in the victorian press*. Basingstoke: Palgrave.
- Martin, C. A. (1994). *George eliot's serial fiction*. The ohio state university press.
- Okker, P. (2012). *Transnationalism and american serial fiction*. vol. 16. London: Routledge.
- Patten, R. L. (1975). "Pickwick papers and the development of serial fiction". *Rice institute pamphlet-rice university studies*, 61 (1).
- Queffelec-Dumasy, L. (2008). *Le roman-feuilleton français au XIXe siècle*. Belphégor.

نشریات

اقدام، به مدیریت عباس خلیلی، از سال پنجم، ۹ فروردین ۱۳۰۵، شمارهٔ ۱، مسلسل ۱۷۳ تا شمارهٔ ۱۳۹۵، ۱۲ آبان ماه ۱۳۱۰.

ایران (سری جدید)، از شمارهٔ اول، سال اول، چهارشنبه، ۴ محرم ۱۳۳۵، ۹ عقرب ۱۳۹۵، اول نوامبر ۱۹۱۶ تا آخرین شماره یعنی شمارهٔ ۹۵۹۴، پنجشنبه، ۱۴ اسفند ۱۳۳۱.

ستارهٔ ایران، مسئول و سردبیر: ابوالقاسم اعتصام‌زاده، از شمارهٔ ۷۹، شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۴۳، ۲۹ حوت ۱۳۰۳، ۱۹ مارس ۱۹۲۵ تا سال ۱۳۰۷: شمارهٔ ۲۷۳، سال سیزدهم، ۳۱ تیر ۱۳۰۷.

ستاره جهان، مدیر و صاحب امتیاز: اعتصامزاده، از شماره اول، سال اول، ۱۷ دی ۱۳۰۷ تا سال

دهم، شماره ۲۵۶۱، ۲۰ مرداد ۱۳۱۷.

شفق سرخ، موجد و نگارنده: علی دشتی، از شماره ۱، پنجشنبه ۱۱ حوت [اسفند] ۱۳۰۰، ۲ رجب

۱۳۴۰، ۳۰ فوریه ۱۹۲۲، تا شماره آخر، شماره ۲۹۱۳، ۲۲ فروردین ۱۳۱۴، [۱۲ آوریل

۱۹۳۵].

کوشش، با مدیریت شکرالله خان صفوی، دامنه بررسی: از شماره اول، سال اول، چهارشنبه، ۱۵

جمادی الأول ۱۳۴۱، ۱۲ برج جدی [دی] ایتئیل ۱۳۰۱، ۳ ژانویه ۱۹۲۳ تا سال نوزدهم، مسلسل

۴۶۸۵، سه شنبه، ۲۸ مرداد ۱۳۲۰.

References

- Āriānpur, Yahyā. (1993). *Az sabā ta nimā* [From saba to Nima]. vol. 2. Tehran: Zavvār. [In Persian]
- Balaý, Christophe (1998). *Peydāyeš-e romān-e fārsi* [The genesis of the persian novel]. tr. Mahvaš Qavimi & Nasrin Xattāt. Tehran: Mo'in & French institute of iranian studies. [In Persian]
- Balaý, Christophe & Cuypers, Michel (1987). *Sarčešme-haye dāstān kutāh-e fārsi* [Aux sources de la nouvelle persane]. tr. Ahmad Karimi Hakkāk. Tehran: Papirus. [In Persian]
- Behzādi, 'Ali (1994). "Zohur, owj va soqut-e pāvaraqi-nevisi dar matbu'āt-e iran" [The rise, peak, and fall of serialized fiction in the iranian press]. *Gardoona*, 25-26, 42-44. [In Persian]
- Beyzāvi, Susan (2000). "Romān-e pāvaraqi: enqelābi adabi" [The serial novel: a literary revolution]. *Isfahan university research journal*, 11 (1-2), 1-20. [In Persian]
- Carr, E. H. (2008). *Tārix Čist?* [What is history?] tr. Hasan Kāmšād. Tehran: Xārazmi. [In Persian]
- Elāhi, Sadr al-din (1998). "Darāmadi bar aquleye pāvaraqi-nevisi dar iran (baxš-e 1)" [An introduction to the category of serialized fiction in iran (part 1)]. *Iranian studies*, 2, 327-341. [In Persian]
- Elāhi, Sadr al-din (1998). "Darāmadi bar maquleye pāvaraqi-nevisi dar iran (baxš-e 3/Alef)" [An introduction to the category of serialized fiction in iran (part 3/A)]. *Iranian studies*, 40, 716-733. [In Persian]
- Elāhi, Sadr al-din (1998). "Darāmadi bar maquleye pāvaraqi-nevisi dar iran (baxš-e 3/Be)" [An introduction to the category of serialized fiction in iran (part 3/B)]. *Iranian studies*, 41, 101-124. [In Persian]

- Qāsesemi, Seyyed Farid (2015). *Tārix-e matbu‘at-e iran* [History of iranian journalism]. Tehran: Sāniyeh. [In Persian]
- Jahānbeglu, Rāmin (2016). *Iran va modernite: goftegu-hāye Rāmin Jahānbeglu* [Iran and modernity: conversations with Ramin Jahanbeglu] (4th ed.). Qatre. [In Persian]
- Mir‘abedini, Hasan (2005). *Sad sāl dāstān-nevisiye iran* [One hundred years of iranian fiction]. vols. 1-2. Tehran: Češmeh. [In Persian]
- Pārsānasab, Mohammad (2011). *Nazarie va naqd-e romān-e tārixīye fārsi: 1869-1953* [Theory and critique of the persian historical novel: 1869-1953]. Češmeh. [In Persian]
- Sāroxāni, Bāqer (2004). *Raveš-hāye tahqiq dar ‘olum-e ejtemā‘i* [Research methods in social sciences]. Institute for humanities and cultural studies. [In Persian]
- Sepehrān, Kāmārān (2002). *Radd-e pāye tazalzol: romān-e tārixīye iran 1921-1941* [Traces of instability: the iranian historical novel, 1921-1941]. Širāzeh. [In Persian]
- Šakeri, ‘Abd-al Rasul; Farahmandfar, Mas‘ud (2022). “Mardom va ‘adabiāt: negāhi be tārix-e romān-e ‘āmmeh-pasand: yek dowre-bandiye pišnahādi” [The people and literature: a look at the history of popular fiction: a proposed periodization]. *Linguistic research and applied literature studies*. 1 (1). 39–50. [In Persian]
- Šokrxāh, Yunes (2015). “Pišineye matbu‘āt-e jahān” dar *Tārix-e matbu‘āt-e iran* [“A background of world journalism” in *The history of iranian journalism*]. Tehran: Sāniyeh. [In Persian]

Journals

- Eqdām*. (1926, March 29 – 1931, November 3). (Vol. 5, No. 1 [Serial No. 173] – No. 1395). [Managed by Abbās Xalili]. [In Persian]
- Iran*. (1916, November 1 – 1953, March 5). (Vol. 1, No. 1 – No. 9594). [In Persian]
- Kušeš*. (1923, January 3 – 1941, August 19). (Vol. 1, No. 1 – Vol. 19, No. 4685). [Managed by Šokr-allāh Xan Safavi]. [In Persian]
- Setāreye jahān*. (1929, January 7 – 1938, August 11). (Vol. 1, No. 1 – Vol. 10, No. 2561). [Abolqāsem E’tesamzadeh, Owner & Manager]. [In Persian]
- Setāreye iran*. (1925, March 19 – 1928, July 22). (No. 79 – Vol. 13, No. 273). [Abolqāsem E’tesāmzādeh Editor-in-Chief]. [In Persian]
- Šafaq-e sorx*. (1922, February 30 – 1935, April 12). (No. 1 – No. 2913). [‘Ali Dašti, Founder & Writer]. [In Persian]